

مقایسه کارایی سیاست های قیمتی و غیرقیمتی در بهینه سازی مصرف سوخت

علی سرزعیم^۱

کارشناس موسسه مطالعات بین المللی انرژی

(ویرایش اول)

امروزه در عرصه سیاست گذاری و تصمیم گیری کشور، سیاست های قیمتی و سیاست های غیرقیمتی به عنوان دو ابزار جایگزین و یا مکمل در جهت بهینه سازی مصرف انرژی توصیه می شود. در این مقاله نشان داده خواهد شد که سیاست های قیمتی در جهت بهینه سازی مصرف انرژی موثرتر از سیاست های غیرقیمتی خواهند بود. این امر از طریق ارائه مدلهای مفهومی با استفاده از ابزارهای تکنیک پویایی سیستم ها نشان داده خواهد شد.

واژگان کلیدی: سیاست های قیمتی، سیاست های غیرقیمتی، مصرف انرژی

مقدمه:

سرانه مصرف انرژی در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد است. مقدار این متغیر برای ایران ۱/۶۱ (تن معادل نفت خام به ازای هر نفر) است در حالیکه در ترکیه ۰/۸۲، در هند ۰/۳۵، در پاکستان ۰/۳۸، در چین و هنگ کنگ ۰/۷۴ و در آفریقا ۰/۴۸ و در آسیا (بدون چین) ۰/۴۲ است. (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۴ [۲]) میزان مصرف انرژی در بخش صنعت کشور ۲/۰۱۵ برابر، در بخش ساختمان ۲/۵۸ برابر، در بخش حمل و نقل ۲/۰۴ برابر و در بخش لوازم خانگی ۱/۶۷ برابر استاندارد جهان است. (گزارش عملکرد سازمان بهینه سازی مصرف سوخت، ۱۳۸۴ [۸]) صرف بخش زیادی از درآمدهای ارزی بابت واردات فرآورده های نفتی نظیر بنزین و گازوئیل از تبعات نامطلوب مصرف بیش از اندازه انرژی در کشور به شمار می رود. این امر موجب گردیده که در سالهای اخیر در هنگام تصویب لوائح بودجه، مسئله کنترل مصرف انرژی در دستور کار نظام تصمیم گیری و سیاست گذاری کشور قرار گیرد. از سالهای پس از جنگ که توجه نظام تصمیم گیری کشور به این مسئله مبذول شد، واقعی کردن قیمت بنزین و دیگر حامل های انرژی به عنوان راهی موثر برای کنترل مصرف انرژی و اصلاح آنچه الگوی مصرف انرژی خوانده می شد مطرح گردید. از سال ۱۳۶۸ تا شروع به کار مجلس هفتم سیاست قیمتی یعنی واقعی کردن قیمت حامل های انرژی مهمترین روش تلقی می شد. با شروع به کار مجلس هفتم برخی نمایندگان مجلس ضمن تایید اثرات نامطلوب سیاست های قیمتی خواستار اجرای سیاست های غیرقیمتی به عنوان جایگزین سیاست قیمتی شدند. (پورسید، ۱۳۸۵ [۴]؛ مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۴ [۸]) برخی دیگر موفقیت سیاست های قیمتی را در گرو اجرای همزمان و یا جلوتر سیاست های غیرقیمتی دانستند و اجرای سیاست های قیمتی را منوط به اجرای سیاست های غیرقیمتی نمودند. (توکلی، ۱۳۸۵ [۳]؛ آقایی، ۱۳۸۵ [۱]) با توجه به اینکه معمولاً افزایش تورم یکی از مهمترین تبعات واقعی کردن قیمت ها پنداشته می شود و نظام تصمیم گیری ایران حساسیت زیادی نسبت به این مقوله دارد، راه حلهایی که بتواند همین کارکرد را یعنی بهینه سازی مصرف انرژی بدون افزایش تورم را داشته باشد جاذبه زیادی خواهد داشت و نسبت به سیاست های قیمتی در اولویت قرار می گیرد. آنچه که مجموعاً سیاست های غیرقیمتی خوانده شده بدیلی برای سیاست های غیرقیمتی دانسته شده که می تواند همین کارکرد را داشته باشد. از این رو در مجلس هفتم اجرای سیاست های غیرقیمتی تحت عنوان اصل ۱۳ بودجه سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید و دولت مکلف شد ظرف مدت محدودی اقداماتی را در جهت تجهیز ناوگان حمل و نقل عمومی انجام دهد تا زمینه برای اجرای سیاست های قیمتی یعنی واقعی کردن قیمت حامل های انرژی و حذف یارانه آن فراهم گردد. در ادامه با استفاده از مفهوم انگیزه اقتصادی نشان داده می شود که سیاست های غیرقیمتی راه حل موثری برای مشکل مذکور نخواهد بود و سیاست های قیمتی می تواند به شکلی موثر موجب صرفه جویی در مصرف انرژی گردد.

¹ alisarzaem@gmail.com